

آقای مستنصر میرباید اول در مورد پاکستان و نوع چاپ کتاب و ترجمه قرآن کمی می دانستند و بعد به اصطلاح تحقیق روی مترجمان قرآنی ایران بزرگ مطلب می نوشتند. در آن موقع هم نباید به خود اجازه می دادند که به حریم ایرانیان تجاوز کنند و توهین را جایگزین نقد ادبی کنند. مستنصر میر در سال ۱۹۴۹ در پاکستان در شهر لاهور به دنیا آمد و دیپلم و لیسانس خود را در این شهر گرفت و چند صباحی است که به ایران آمده هر چند ایرانیان مردمان میهمان دوستی هستند، ولی میهمان هم نباید نمک خورد و نمکدان بشکند. آیا این هنرمیهمانان بی فرهنگ است؟ شاید اولین شخص پاکستانی است که نمکدان شکسته، زیرا ما دوستان بسیار خوب پاکستانی زیاد داریم. وای کاش میهمانان خارجی ما اگر می خواهند دستی بر قلم برند و تهمت‌های صاحبخانه کنند، حداقل در اینترنت نام مورد نظرشان را پی جویی می کردند و بعد خود را راحت به وادی تهی می سپردند. اگر سری به کامپیوتر می زدند می فهمیدند که: معصومه یزدان پناه تا سطح دو را در دارالزهدا در قم خوانده، به آن اکتفا نکرده و با

استادان مجرب چهار کتاب نحو الوافی را به درون خود برده و سال‌ها معلم قرآن بوده و بعد در کالج اسلامی لندن علوم قرآنی را به زبان انگلیسی خوانده و سال‌ها شاگردی استاد مهدی فولادوند، طاهره صفارزاده (از نظر فن ترجمه انگلیسی) و بهاء الدین خرمشاهی و... را کرده تا بعد از اجازه از این بزرگواران و تشویق و ترغیب آنان جرئت به ترجمه قرآن کرده و آن بزرگواران هم ویرایش کار او را به عهده گرفته‌اند و سال‌ها با او بوده‌اند و بعد از آنان با پیشهاد آقای خرمشاهی، چندین ویراستار مجرب کار را بازمی‌بینی کرده‌اند. البته بنده می‌گویم کارم بدون عیب نیست که کارم کار بر شراست و قرآن الفاظ خداوند و بی عیب است. ای کاش رضی اصفهانی یا همان همسایه پاکستانی ما کمی درنگ می‌کرد و زود با ثمنای قلیلا رضی به این تهمت نامه نمی‌شد، ولی میهمان بی ادب باید ادب شود. آقای مستنصر میر داذن صفت بی‌صفتان استعمار شده است. نه شما من را می‌شناسید و نه من شما را. کسی که شما را اجیر کرده، چه نادان این کار را انجام داده؛ حال با استدلال نادانی شما را به خوانندگان می‌نمایم:

آری معنای بسیاری از واژگان به مرور زمان تغییر می‌یابد و ترجمه متن مقدس قرآن کریم و یا شاید گفت به‌گزینی به سرفقت ادبی - فرهنگی تبدیل می‌شود و نقد هم به بزرگ‌نمایی ناسره‌ها و تهمت‌ها بدل می‌گردد. گاه این تغییر طی قرون متمادی بسیار اندک است، ولی امروزه به همت بلند اینترنست و... بسیار سریع انجام می‌گیرد و افراد خودکم‌بین خود را در وادی تهی می‌بینند و افراد دیگر را نوع دیگری نگرند. هر مترجم قرآنی در این زمان به لحاظ تدبیر بیش از



معصومه یزدان پناه

ای کاش رضی راضی

به تهمت‌نامه

نمی‌شد

کشور ایران سرزمینی بزرگ با تمدن ۲۵۰۰ ساله و فرهنگ غنی است که همراه با اسلام شکوفا شد و این شکوفایی سالهاست در منطقه خاورمیانه زیانزد خاص و عام است. فردی به نام مستنصر میر و با نام مستعار رضی اصفهانی به خود جرئت داده و شروع به توهین و تهمت و افترا به ایرانیان با تمدن کرده است و با الفاظی نامتعارف تصمیم به خورد کردن ایرانیان با تمدن گرفته است. باشد که خداوند در این راه، باز ما را پیروز گرداند.

اگر این مترجم اینقدر باهوش در کپی برداری بود، بعد از چند سال درس خواندن در کالج اسلامی لندن خود نمی‌توانست اینگونه بنویسد؛ یعنی برای نوشتن یک and باید از کتاب ترجمه قرائی کمک می‌گرفت؟ دشمنی تا چه حد!

توهین به ویراستاران کاری بسیاری ادبانه و... است که آقای بهاء الدین خرمشاهی متنی را با دست‌خط زیبایشان به معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نوشته‌اند که ضمیمه است، حال اگر ایشان به آقایان مرحوم مهدی فولادوند، بهاء الدین خرمشاهی، علی شهبازی، شمسی رسولی، حسن توکلی، حسین علی‌زاده و... تهمت ناروا می‌زنند، خود دانند.

ای کاش هنر بنده را چسب و قیچی معنا نمی‌کردند و حداقل اگر انسان بودند، این کار را به‌گزینی می‌دانستند که من مطمئناً کارم را ترجمه می‌دانم و ای کاش بزرگ مردان از من در به‌گزینی قرآن به تمام زبان‌ها کمک می‌گرفتند و کتاب‌های زیادی اینگونه با مفردات به چاپ می‌رسید. کاش پاراگرافی راجع به مفردات این کتاب و اثرات مفید آن می‌نوشتند؛ در حالی که... اجازه نداده است. ایشان موارد مثبت را کاملاً نادیده گرفته است.

من بارها اعلام کرده‌ام مترجمان هنوز نتوانسته‌اند «بسم الله الرحمن الرحیم» را معنی کنند؛ ما مترجم کامل قرآن نداریم؛ اگر تمام دریاها مرکب شود و تمام جنگل‌ها قلم، ما نمی‌توانیم حتی یک آیه را ترجمه کامل کنیم و باید ایشان بدانند نه قرائی مترجم کامل قرآن است نه اروینگ؛ بلکه کلام خداوند هرگز ترجمه کامل نمی‌شود و ما فقط برای اینکه آن را کمی ساده کنیم و مفهوم را تا حدی که خود فهمیده‌ایم، به خواننده بفهمانیم. زحمت می‌کشیم. ما اجرمان را از خداوند می‌خواهیم و می‌گوییم: «اعوذ بالله من شیطان رجیم».

جناب آقای بهاء الدین خرمشاهی در جوابیه ایشان می‌فرماید: استفاده و به‌گزینی از ترجمه‌ها چه فارسی باشد چه انگلیسی و چه هر زبان دیگر، امری رایج و ناگزیر است. می‌توان برای روشن شدن این مسئله چندین ترجمه‌ای که ایرانیان از قرآن به انگلیسی ترجمه کرده‌اند، همه را گرفت؛ با بررسی علمی و حساسی و تخریبی بررسی کرد و رفت و پیوند ترجمه‌ها با یکدیگر آشکار می‌شود. هیچ مترجمی در هیچ زبانی و در هیچ متنی از متون مقدس نمی‌تواند کارهای انجام‌شده را نادیده بگیرد و یا از آنها استفاده علمی و بهینه که به تعبیر دیگر همان به‌گزینی است، عمل نیاورده باشد و طبق این سخن بعد از مقابله ترجمه‌ها لاف‌ترجمه مترجمان ایرانی روشن خواهد شد؛ پس تمام مترجمان عملکردی همانند خانم یزدان پناه داشته‌اند که البته ایشان کتباً از آقای قزایی دست‌نوشته اجازه استفاده از ترجمه ایشان رادارند.

حد به قرآن خود را ملزم به تحقیق بر روی ترجمه‌های دیگری بیند و واجب می‌داند تمام ترجمه‌های موجود را بنگرد. حال اگر در زبانی ترجمه بسیار زیاد از قرآن انجام شده و اگر مترجم حاضر، متن مشابه با ترجمه یکی از مترجمان به دست آورد، این گناه مترجم نیست و یک برتری آن می‌باشد. در کشور ایران سال‌هاست که سابقه‌ی علمی بر اساس رابطه مشخص می‌شود نه ضابطه. ادب علمی در مجامع علمی کم‌کم بی‌رنگ می‌شود و ترجمه قرآن کریم و یا به نوعی دیگر که حال در تمام جوامع مرسوم است، به‌گزینی را چسب و قیچی معنی می‌کنند. ای کاش سردبیران مجلات به عاشقان قرآن کمک می‌کردند تا آنها رشد کنند و پیش روند و نقد مانند یک سونامی مترجمان را از صحنه روزگار دور نمی‌کرد، و می‌بینیم کتاب مقدس ده‌ها هزار بار به هزاران زبان ترجمه می‌شود و در تمام دنیا پخش می‌گردد و قرآن کریم به تعداد محدود به حدود صد زبان ترجمه شود و خیلی از عاشقان قرآن در حسرت دیدن متن آن لحظه شماری می‌کنند. ای کاش مسلمانان ما می‌فهمیدند که جدول مفردات در این کتاب چه ویژگی پرگهری دارد و حتی یک خط اگر در مجله‌ای نوشته می‌شد مترجم یا همان شخص مورد نظر خستگی درمی‌کرد.

واژه مترجم در ایران معنی کامل و جامعی دارد. آقای مستنصر میرا شما در پاکستان به دنبال معنی این واژه بگردید. در پیاده‌روهای خیابان انقلاب، ایرانی‌ها متخصصانی را می‌بینند که به دنبال تحقیقاتشان هستند و افراد قلیل ذهن کم دید دادزن‌ها را می‌نگرند؛ زیرا اینان نوع دیگری می‌نگرند. در سوره یوسف تعجب همراه با امیدواری این‌گونه می‌آید که اگر فرستادگان ما نومی‌گشتند، مردم پنداشتند که پیامبران به آنان دروغ گفته‌اند و در این جایاری خداوند فرارسید که مردم در حقیقت اگر به خداوند ایمان داشتند، نباید این تفکر را داشته باشند و علامت سؤال را جایگزین تفکر کرده‌ام و این در تفکر غربی کاری بسیار زیبا می‌باشد که آقای اروینگ هم این‌گونه به رشته تحریر درآورده، و چه زیبا متنی است! مترجم قرآن در ترجمه نباید نسخه برای خواننده بپیچد، بلکه باید او را مجبور به تفکر کند که این خود مستلزم موفق بودن مترجم است که به حمد خداوند ترجمه بنده این ویژگی را دارد.

در مقاله نقد و بررسی کتاب به موردهای زیاد ناامنی برای نویسندگان برمی‌خوریم فقط و فقط ناسره‌ها و تهمت‌ها و توهین‌ها دیده می‌شود. ایشان به طور قطع معنی نقد را نمی‌دانند. نقد یعنی سره و ناسره. آیا این کتاب حتی یک نکته مثبت نداشت؟ و البته نکته منفی هم به حمد خداوند در آن دیده نشده است، که: «عد و شود سبب خیراگر خدا خواهد».

ایشان مهارت مترجم را در تهمت زدن به او کپی برداری بسیار زیاد دیده است که خود لازم ندیده‌اند بیش از این ذکر نمونه کنند. آیا

آقای حسن توکلی به دنیا آمده در لندن و مخبر در پرسی تی وی می باشند و چند سالی است با دعوت تلویزیون به ایران آمده اند و فارسی را بسیار اندک می دانند.

خانم شمسی رسولی و خانم طاهره صفارزاده که چون کارشان مورد تأیید من نبود، اسم ایشان را در کتاب نیاوردم (البته خانم صفارزاده بعداً از من گله کردند و من با پوزش دلیل را برایشان گفتم).

آقای حسین علیزاده که نویسنده و پژوهشگر قرآنی هستند که جناب خرمشاهی از ایشان درخواست کرد دوباره متن را بخوانند و ویراستاری کنند.

در مورد صدق الله... باید عرض کنم که با نشستی که با همه ویراستاران هر ماه داشتیم، این متن آماده شد و آقای مستنصر میربا لهجه پاکستانی آن را اشتباه فرض کرده، ای کاش می فهمید.

و در پایان از تمام دوستان، ویراستاران و افرادی که مرا یاری کردند، بسیار سپاسگزارم. اگر اشکالی در متن می بینند، لطف فرموده و به من اطلاع دهند؛ زیرا من بشر هستم و همه افراد خطا دارند و انشا الله دشمنان ما ریشه کن شوند تا جلوی ترجمه قرآن گرفته نشود.

در پایان دستنوشته جناب بهاء الدین خرمشاهی خدمت تان تقدیم می شود:

با سلام و عرض ارادت و احترام درباره ارزش و عیار علمی و صحت و دقت عالی ترجمه انگلیسی خواهر قرآن پژوه و سختکوشم سرکار خانم معصومه یزدان پناه عرضه می دارم که از حدود بیش از یک ده بنده از نزدیک شاهد کوشش های خستگی ناپذیر ایشان در تعلم و تعلیم و درس و تدریس پیگیر ایشان بوده ام. ترجمه فارسی ایشان از بهترین و ابتکارترین ترجمه های امروز قرآن است. بنده و آقای علیزاده و ویراستار آن ترجمه بوده ایم، و به حمد الله به نحو شایسته ای از سوی انتشارات علمی فرهنگی در قطع رحلی منتشر شده است و با استقبال دوستان قرآن مواجه شده است. ترجمه انگلیسی ایشان هم مبتنی بر بهترین و دقیق ترین منابع و مراجع انگلیسی بوده و به سبک معیار و قابل قیاس با ترجمه های پیکتال آربری و عبدالله یوسف علی (طبع مدینه منوره) انجام گرفته است. دو انگلیسی دان و قرآن پژوه برجسته امروز آقایان شهباز و توکلی آن را به دقت هر چه تمام تر ویراسته اند و خود ایشان هم با مقابله با ترجمه های خوب انگلیسی مدام در بهسازی آن کوشا بوده اند. دوستدار و دعاگوی شما، بهاء الدین خرمشاهی.

در ضمن باید اضافه کنم جناب آقای قرآیی در اوایل کار ترجمه به بنده اجازه دادند از ترجمه ایشان استفاده کنم؛ زیرا ویراستاران انگلیسی من آقای شهباز دوست صمیمی ایشان بودند و هر چند وقت مطالب را به سمع و نظرایشان می رسانند تا ایشان بدانند من چه می کنم و در نوشته ای این کار را برای بنده مفید دانستند و کتباً این اجازه را به بنده دادند که هر گونه صلاح می دانم از ترجمه ایشان در کارم استفاده کنم که همیشه دعاگویشان می باشم.

ای کاش آنانی که ما را می زنند ما را یاری می کردند و ای کاش آنانی که سد راهمان هستند، برایمان ره گشایی می کردند.

در مورد سوره های مدثر، غاشیه و طور باید اعلام کنم: سوره مدثر آیه های ۱، ۲، ۴، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۴۲، ۵۶، این آیه ها را که اگر من ترجمه کرده باشم پس چند آیه ای که با آقایان قرآیی یا هر کس دیگری است، فقط مد نظر شما بوده؛ پس این آیه ها را هم پیدا می کردید که چه کسی ترجمه کرده، شما که همه را پیدا کردید حداقل یک سوره را کامل می نوشتید؛ در ضمن آقای مستنصر میربا ۶۵ سوره طور چه هست. باید خدمتتان عرض کنم سوره مدثر ۵۶ آیه دارد ۱۰ آیه بعدی را شما از کجا آوردید. شما فقط کمک به اسرائیل کرده اید. کسی که این قدر بی ملاحظه است، باید راجع به مترجمان قرآن که بسیار محتاط هستند، چیز بنویسد!؟

پس تمام مترجمان قرآن از نظرایشان مجرم و داذن هستند. مواردی که در ترجمه اروینگ و قرآنی یکی هستند، یا قرآنی از اروینگ قیچی کرده یا اروینگ از قرآنی. اروینگ که سال ها پیش به رحمت خدا رفته است؛ پس اشکال به قرآنی برمی گردد. بزرگان می دانند که خیلی از مطالب قرآنی در تمام زبان ها می تواند یک شکل باشد.

در مورد سوره های دیگر هم ایشان بدون هیچ علمی این کار را ادامه داده اند که کار بسیار خصمانه ای است، نه علمی.

ویراستاران بنده

آقای مهدی فولادوند مترجم قرآن به زبان های فارسی و فرانسه که در ترجمه انگلیسی هم بسیار کمک بنده کردند.

آقای بهاء الدین خرمشاهی که هم متن فارسی را ویرایش کردند هم متن انگلیسی را که دستخط ایشان موجود است که تمام صفحه ها تبرک به دستخط ایشان شده و مدیریت کار را هم بر عهده داشتند و سرو ویراستار هم می باشند.

آقای علی شهباز به دنیا آمده در هند، بزرگ شده در انگلستان که ۸ جزء از قرآن را به انگلیسی ترجمه کرده اند و در ایران در شبکه چهار مسئول بخش انگلیسی آن هستند.

